

مداخله زبانی فرانسوی ها بر زبان رسمی ملت الجزایر

محمد مهدی کریمی نیا^۱، محمدرضا ایزدی^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳، احمد امیدوار^۴، سید محمد اسماعیلی^۵، رضا مهدیان فر^۶

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

^۲ دانشجوی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم استان مرکزی

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

^۴ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۵ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۶ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

واژه ای که از زبانی وارد زبان دیگر شود، عاملی که باعث بوجود آمدن تداخل زبانی دو زبان مجزا شود که انحراف کلامی زبان مقصد را به همراه داشته باشد مداخله زبانی را ایجاد کرده است، پرداختن به عواملی که هم پوشانی بین دو زبان را روشن می کند اهمیت و ضرورت دارد. از این رو، جستار پیش رو با روشی توصیفی به این مسئله پرداخته است نتیجه آنکه: یکی از علل گسترش زبان فرانسوی در کشور الجزایر وجود روشنفکران الجزایری که زبان فرانسوی را از نظر کاربردی بالاتر از زبان رسمی خود تلقی می کردند، تحت تاثیر قرار گرفتن منابع های مکتوباتی و اداری در زمینه ترویج زبان فرانسوی، یادگیری زبان فرانسوی توسط خانواده های الجزایری و گسترش آن به عنوان الگو در بین فرزندان خانواده، هجوم فرهنگی استعمارگران فرانسوی بر رسانه ها و روزنامه های الجزایری برای توسعه زبان رسمی خود، ترویج کتب های درسی مربوط به زبان فرانسوی در بین دانش آموزان و دانشجویان الجزایری، می تواند اصلی ترین راه های کردی زبان فرانسوی بر عربی باشد، هرچند الجزایری ها در قبال این تهاجم، اقدامات دولتی و مردمی برای احیا زبان عربی از خود به یادگار گذاشتند.

واژه های کلیدی: زبان فرانسوی، زبان عربی، استعمارگران، روشنفکران، مداخله زبانی.

مقدمه

اعمال یک سیستم زبانی به زبان دیگر، هنگام نوشتن یا صحبت کردن، این امر ممکن است با وام گرفتن واژگان از زبان دیگر، با همان تلفظ و ترکیب نباشد. در گفتمان تاریخ نگاران زبانی، از جمله بحث تعریب و واژگان دخیل پیرامون کلمه ای و عباراتی که از یک زبان وارد زبان دیگری می شود و بعنوان یک واژه بیگانه به دستورات زبانی زبان مقصد نفوذ کند؛ همواره سخنانی مطرح شده است این نوع تاثیر و تاثر بین دو زبان هم جوار به ویژه با ارتباط زبانی بیشتر، شدت می یابد. یکی از مسائل پردغدغه اندیشمندان در زمینه زبانی و اصطلاح آن این است که راه های ورود کلمات خارجی در زمینه زبانی هر کشور را بدانند و به آن توجه کنند، از این رو پرداختن به عواملی که موجب پرده بردای از مباحث یادشده می کند، اهمیت و ضرورت دارد، یکی از اهداف های فرانسوی ها در مناطق های استعماری، بیگانه کردن زبان الجزایری ها بوده چرا که آنان حس استعمار رژیمی را با وجود زبان عربی در آن مناطق نمی کردند و خود را وابسته به الجزایری ها می دانستند که برای دوری گزیدن از این خیال، به فکر ایجاد یک پدیده زبانی نوین در آن منطقه شدند پدیده ای که باعث غریب کردن ملت الجزایر و فرهنگ و زبان آنان شد و ازطرفی این تحقیق افق های جدیدی را در پرداختن به مسئله پدیده مداخلات زبانی فرانسوی به عربی با دخالت فرانسوی ها گشوده است که به مراتب به اهمیت پژوهش افزوده است.

رابطه با هم پوشانی زبانی، تا جایی که مورد جستجو قرار گرفت، مقاله ای با عنوان "اللغة الفرنسية في المغرب العربي" اثر محمود الذوادی در سال ۲۰۰۹ واقع در مجله المستقبل العربی به چاپ رسید؛ همچنین مقاله ای با عنوان "اللغة الفرنسية في مصر" اثر محمد محمود زیتون در سال ۱۳۷۱ واقع در مجله الرسالة به چاپ رسید و همچنین مقاله ای تحت موضوع "الادب العربي المعاصر في اللغة الفرنسية" اثر عبدالسلام العجیلی در سال ۱۳۸۴ واقع در مجله المعرفة به مرحله چاپ رسید؛ وجه اختلاف مقالات ذکر شده با جستار پیشه رو در این است که مقالات یاد شده بیشتر به مداخلات زبان عربی بصورت کلی و یا بصورت تحلیلی در کشور مصر و مباحث ادبی ادبیات عربی پرداخته اما جستار پیشه رو تمرکز خود را بر مباحث نحوه ورود و نوع مداخله زبانی استعمارگران فرانسوی بر کسور الجزایر نهاده است.

این جستار در صدد است که با روشی توصیفی- تحلیلی و با بهره گیری از سخنان اندیشمندان ادبی، دریابد که: روش های مداخله استعمارگران فرانسوی در زبان عربی چگونه بوده؟ مداخلات زبانی در طول گذر زمان چطور رخ داده است؟ روشنفکران الجزایری در این زمینه چه رویکردی داشته اند؟ روش الجزایری ها برای مقابله با این مداخله زبانی چه بوده است؟

۱. مفهوم شناسی

در این بخش به بررسی تک واژه کلید این جستار یعنی، دخیل، پرداخته شده است.

۱-۱. دخیل

دخیل را لفظی دانسته اند که عربی نیست و وارد کلام عرب شده است (ابن منظور، ۱۴۱۹، ذیل واژه مربوطه). دخالت کردن در اموری، استیلا شدن در امری، شی یا چیزی که مورد دخالت واقع شده (معین، ۱۳۸۲، ذیل واژه مربوطه). بیگانه ای که وارد قومی شود و به آنان منتسب شود، کلمه ای که از یک زبان وارد زبان دیگری شود.

احمد مطلوب در این رابطه اظهار بیان می کند که دخیل را لفظی می خوانند که در دوره اخیر از زبان های دیگر گرفته شده و به همان شکل خود یا با کمی تغییر تلفظ می شود (مطلوب، احمد، ۱۹۹۰ ق، ص ۷۹).

یاد گیری واقعی زبان، شامل استفاده موقعیتی و آگاهی از خصوصیات زبان آموخته شده در کنار هم است. - تفکیک تحصیلی بین کالج های مختلف یا زیر رشته ها دخالت زبانی را از بین نمی برد. به همین ترتیب، مداخله زبانی بین یک کشور نباید دلیلی برای پراکندگی دانش زبانی آن کشور شود، بلکه باید نقاط ضعف اتصال دو زبان بین یک جامعه هر زمان که لازم باشد، یافت و برای این کار در بین رشته های مختلف کنفرانس ها و انجمن های زیادی برگزار شود که در آن تحولات زبانی هر رشته را مرور کنند و به اتحاد عمومی برسند. - ضرورت رفع موانع زبانی موجود بین رشته های مختلف به دلیل حذف برخی واژه های یک زبان بر زبان دیگر به معنای تعامل زبانی نیست. محققان در رشته های مختلف در تلاشند پژوهش های زبانی را با رویکرد (روانشناختی، اجتماعی، آموزشی)، مورد بررسی قرار دهند. (داودی، ۲۰۰۸، ص ۱۷۵).

۲. راه های ورود زبان فرانسوی بر ملت الجزایر

مستشرقین فرانسوی به عنوان بخشی از مبارزات انتخاباتی فرانسه، به الجزایر آمدند. آن ها در الجزایر تنوع زبانی غنی پیدا کردند، بنابراین یادگیری آن ها متمرکز بر عربی کلاسیک شد و لهجه های مختلف آن در الجزایر را بررسی کردند، با تأکید بر محاوره و انگیزه های مربوط به این موضوع استعماری از یک طرف به بهانه یک اقدام نوین زبانی در الجزایر، از طرف دیگر، با توجه به بومی بودن زبان کلاسیک عربی به دنبال راهی برای ارتباط زبانی با زبان فرانسه شدند، مستشرقین نمایانگر سیستم ارتباطی بین زبان الجزایری و فرانسوی شدند که از قبل در جامعه الجزایر در حال گردش بود، ارتباطات واقع گرایانه و وسیله ارتباط مستقیم با الجزایر که به آن نفوذ اجازه نفوذ فرهنگی و اجتماعی برای این کشور استعمار شده تلقی شد. اهدافی که ز سوی استعمار گران برای گسترش زبان فرانسه دنبال می شد: ۱- با گسترش اختلاف، تبعیض کلامی و حاشیه نشینی، پیوند الجزایریان را با برادران عرب خود جدا کردند ۲- اجازه دادن به عنوان یک زبان جایگزین و تبدیل به موفقیت در زمینه سیاست کشور الجزایر زبان فرانسوی گسترش پیدا کند ۴- معاشرت با خانواده های الجزایری برای گسترش زبان فرانسوی بین آن ها. (داودی، ۲۰۰۸، ص ۱۰۵).

۲-۱. مداخله علمی

یکی از عواملی که باعث تضعیف شدن زبان عربی و رشد و توسعه زبانی فرانسوی در الجزایر شد، دخالت در امورات همچون موسسات علمی بود، طبق دستاورد های گردآوری شده، مدرسه دنیا ابتدایی در زبان کودک است و آن یکی از دلایلی است که به وسعت تجربیات زبانی کودکان کمک می کند و ماهیت مدارس بر محور زبانی آن تغییر می کند، بنابراین همه شهروندان یک کشور موظف اند زبان رسمی مدارس را حفظ کنند و ضمن تسریع برای پیشرفت علمی آن اقدام کنند و باید برای حفظ زبان مادری آن اقدام کنند. این اولین زندگی یک زبان و یکی از روشهای آن است. (زوبیر، ۲۰۱۱، ص ۵۶).

پایین بودن توانایی زبانی و کفایت ارتباطی زبان آموزان به دلیل عوامل مختلفی از جمله دخالت استعمار گران فرانسوی، ترویج کتب های غیر درسی با زبان فرانسوی، ناسازگاری برنامه های درسی سطح آموزشی دانش آموز و روش های تدریس ضعیف خود معلم، توانای های علمی مدارس الجزایر پایین آورد. با وجود جانشینی اصلاحات در سیستم آموزشی الجزایر در مراحل مختلف آن که هدف اصلی وارد شدن متون فرانسوی به امورات علمی زبان عربی الجزایر بود. این دوره باعث شد زبان عربی همه علوم تدریس شده در موسسات علمی به زبان فرانسوی تدریس شود. بدین ترتیب زبان عربی نتوانست با زبان فرانسوی حتی در کشور الجزایر و در بین مردم آن دیار رقابت کند و این همان چیزی است که کاهش زبان عربی از جایگاه خود در

جامعه الجزایر و عدم تمایل دانش آموزان به آن نسبت به سایر زبان های دیگر در دنیا توضیح می دهد. (ابن عله، ۲۰۱۸، ص ۷۱).

ضوابط پذیرش زبانی در بخش های علمی ناعادلانه تصور شده، از جمله: ارزیابی ضعیف روش های تدریس، ارزیابی ضعیف برنامه های درسی زبان عربی و تأثیر استفاده از محاوره اشتباهات رایج دانش آموزان در خواندن، نوشتن و صحبت کردن، کمبود برنامه های زبانی تأثیر بن بست فرهنگی و علمی آن در کشور الجزایر، پدیده ضعف زبانی عربی در آن کشور بوجود آورده است که محققان در تلاش برای یافتن راه حل های قانع کننده بودند (زوبیر، ۲۰۱۱، ص ۵۲).

جنبه های علمی برخی از رویکرد های زبان عربی و فرانسوی و برنامه های درسی انطباقی که به انجام جلساتی در قالب برگزاری امتحانات با زبان فرانسوی منتهی شد، در این باره آمده است، مجموعه ای از تداخل های زبانی و طبقه بندی آنان در انواع رویکرد های زبانی از طریق اولین جلسه برگزاری امتحانات در سنجش زبان فرانسوی برای دانشجویان "سال چهارم ادبیات عرب" در موسسه "زبان و ادبیات عرب" واقع در دانشگاه فرحات عباس (سطیف) انجام شد که شامل بیست دانش آموز دختر و پسر بود که در مناطق مختلف زندگی می کردند گویش های آن ها بین (عربی محاوره ای، بربر و قبیله ای) بود و بعد از برگزاری جلسات به زبان فرانسوی و تشکیل جلسات امتحانی برای سنجش زبان فرانسوی، زبان عربی آنان تعقیب یافت. از طرف دیگر محققان در این باره به مجموعه ای از نتایجی رسیده اند که مهمترین آن ها عبارتند از: مهمترین قسمتی که تداخل زبانی را گسترش داد، نوشتارهای ارتوگرافی در برگزاری امتحانات توسط دانشجویان سال چهارم ادبیات عرب بود که پیامدش را می توان از دست رفتن هر دوزبان عربی در ذهن دانشجویان تلقی کرد و سطح ترکیب گسترده تری برای چنین تداخل بود. (شبی، ۲۰۱۶، ص ۳۷).

۲-۲. مداخله مکتوباتی

برخی مترجمان در زمینه انتشار کتاب و متون در زمینه های مکتوباتی با هم رقابت می کردند بزرگان و بهترین آنها کسانی بودند که در آموزش و مدیریت کار می کردند. از نظر فرانسوی ها، ترجمه در ابتدا وسیله ای برای درک و ارتباط با الجزایری ها است، سپس این وسیله ای برای کنترل زبان عربی و پیشرفت زبان فرانسوی شد و برای آن ها هیچ ترجمه ای از فرانسه به انگلیسی وجود نداشت عربی به عنوان هدفی برای این کار اعمال شد، آن ها تمام تلاش خود را برای یادگیری زبان عربی انجام دادند تا از طریق آن کتب عربی را به صورت فرانسوی ترجمه و به شهروندان الجزایری تحویل کنند. متون نوشتاری در آغاز، توسط مترجمان فرانسوی به ارگان های نظامی و عمومی منتقل شد و به دست مستشرقان در مرحله بعد به اوج خود رسید، هدف این بود که زبان فرانسوی را در الجزایر غنی سازی و گسترش پیدا کند و ترجمه به عربی با بنیانی ای که فرانسوی ها در آستانه الجزایر توزیع کردند، آغاز شود و اما در مورد ترجمه از عربی به فرانسوی، این روش اصلی فرانسوی ها در الجزایر بود زیرا شامل انتقال اسناد مکتوب، از جمله نامه ها، قراردادهای املاک، اجاره ها، موقوفات و دادخواست ها است سپس کتاب ها و منابع مکتوب به طور کلی و همچنین تفسیر متون نوشتاری در ارتباطات ترجمه در دفاتر، بازارها، دادگاه ها و اردوگاه های عرب اعمال شد (اسعدالله، ۱۹۹۸ ج ۶، ص ۱۶۷).

اقداماتی که فرانسوی ها در این عرصه انجام دادند را می توان بیانگر فعالیت های نوشتاری فرانسوی ها و تبدیل متون های عربی به فرانسوی دانست که درباره این موضوع کتابی تحت عنوان "اللهجة التلمسانية" را بیان نمود، این کتاب به زبان فرانسوی است و چینش متونی از چپ به راست دارد، آنچه که در تصویب نامه مکتوباتی و درباره کتاب ذکر شده است این است که این کتاب حاوی مطالب کلامی و شناختی زیادی است و می تواند در سطح آموزشی تلقی شود به این معنا که توضیح جزئیات و ارائه مصاحبه را می تواند شرح دهد اما تفاوتی در سطح واژگانی زبان عربی دیده می شود چرا که تعارض زبانی در

آن وجود دارد. چنانکه آمده است، واژگانی که در این کتاب ذکر شده، بصورت تلفظ فرانسوی است مانند: L'école coranique (المسید)، (تارقو) Tergou، La porte de kechchout (کشوت باب)، Prise de Tlemcen pas les Turcs (الأتراك طرف من تلمسان غزو)، Le mouled (المولد)، (داودی، ۲۰۰۸، ص ۱۵۶)، براین اساس، فرانسوی ها با وجود دخالت آن ها در متون مکتوباتی الجزایری ها خواستار، تلفظ های واژگانی خود بر کتب عربی کشور الجزایر بودند.

۲-۳. تاثیر روشنفکران الجزایری

با وجود پیگیری های متعدد مستشرقین فرانسوی در رابطه با گسترش زبان فرانسوی در الجزایر، روشنفکران الجزایری تحت تاثیر، مستشرقین قرار گرفتند، آنچه که در این باره آمده است، نمونه ای از مباحث علمی که به جای عربی به زبان فرانسه نوشته شده است. در زمینه موسسات علمی این دیدگاه رواج پیدا کرد، که برخی از روشنفکران الجزایری علم یادگیری در موسسات علمی را در زیر سایه زبان عربی نمی دیدند و آن را در زمینه یادگیری زان فرانسوی بیان می کردند و باین دیدگاه که زبان فرانسوی زبان آموزش برای رشته های علمی مانند پزشکی، زیست شناسی، فیزیک، شیمی و سایر رشته های علمی برای توسعه علمی و فناوری است. (ابن علّه، ۲۰۱۸، ص ۷۵).

واقعیت همچنین ثابت کرد که برخی از روشنفکران الجزایری که با استعمارگران فرانسوی معاصر بودند، علاقه زیادی به یادگیری زبان فرانسوی داشتند و حتی بی سوادیهایی که قادر به خواندن یا نوشتن نبودند تحت تاثیر روشنفکران قرار گرفتند. آن ها که به یک زبان خاص صحبت می کردند، به طور کلی شهروندان الجزایری را مشتاق به یادگیری زبان فرانسه می کردند، اهداف مشخصی را برای اقدامات زبانی خود داشتند (میشال، ۱۹۸۲، ص ۳۹) (تخصص در دستور زبان) درواقع اوضاع نابسامانی الجزایر ثابت می کند که افرادی هستند که می توانند به زبان فرانسه ارتباط برقرار کنند با این حال، آن ها در امتحانات رسمی مربوط به سیستم دستور زبان به نتایج مطلوبی نمی رسند برای زبان (صرف نظر از اینکه شفاهی یا کتبی باشد) و این در اصل مناطق شمالی کشور بیشتر اتفاق می افتد اما در رابطه با مناطق جنوبی، این امر برعکس اعمال می شد، مانند اگر شما دانش خود را درباره سیستم گرامری زبان فرانسوی آزمایش کنید، بعضی ها ثابت می کنند که تعالی دارند (مانند، روشنفکران الجزایری، که زبان فرانسوی را ترجیح به زبان رسمی کشور می دانستند). اما آن ها نمی دانند چگونه از آن استفاده کنند. (داودی، ۲۰۰۸، ص ۱۷۵)، نتیجه می شود که مشکل در یادگیری یک زبان خارجی توسط روشنفکران هر سرزمین و ترجیح آن به زبان رسمی کشور، حتی اگر مدت ها این تمر بر سر مینی غالب شود، بصورت مداوم شهروندان آن دیار را تشویق به یادگیری زبان خارجی و ترجیح آن بر زبان رسمی کشور می کند، زیرا این امر در گسترش درک ذهنی دانش آموز و آموزش او در جذب مداوم دانش زبانی نوین کمک می کند، زیرا زبان خارجی در کشور مستقلی بعدها به یک زبان رسمی آن کشور مبدل می شود به طور مؤثر، در اداره ها، آموزشگاه ها و بسیاری از معاملات رسمی، یادگیری یک زبان خارجی از هدف اصلی ملی گرایی یک ملت منحرف می شود.

۲-۴. تهاجم فرهنگی

رسانه های الجزایری و تاثیر آن ها بر عملکرد زبان عربی، با آن روندی که هر روز ادامه داشت دیگر اعمال نمی شد، تعامل بین جوامع زبانی فرانسوی و الجزایری و همچنین مداخله زبانی بین آن ها، اقتدار رسانه های فرهنگی از جمله سمعی و بصری و آنچه که در روزنامه ها و رادیوها در بخش فرهنگی آن مورد هجوم استعمارگران فرانسوی قرار گرفت و از طرف دیگر، رسانه های بصری به یکی از مهمترین سلاح هایی که توسط قدرت های بزرگ برای گسترش نفوذ زبانی آن ها استفاده می شد، تبدیل شده اند در سراسر جهان عارض شده است (زوبیر، ۲۰۱۱، ص ۵۴)

دستیابی به استقلال زبانی با وجود سیطره فرهنگی فرانسوی ها بر ملت الجزایر امکان پذیر نشد. از نظر زبانی، زبان فرانسوی از عربی در اوضاع نابسامانی کشور الجزایر از سطح بالاتری برخوردار شد. برای عوامل اجتماعی و تهاجم فرهنگی، صحبت به زبان فرانسوی و پیشرفت آن در ذهنیت الجزایری ها مرتبط شد. با وجود تنوع گویش ها، در موقعیت زبان عربی، دیگر جهت گیری های آن اثری را در سطح زبانی الجزایر نداشت. پرونده زبانی واقع در کشور الجزایر به زبان فرانسوی که یک زبان خارجی است، مبدل شده بود که با واسطه عوامل فرهنگی و فنی، و تعمیم فوق العاده آن با هزینه زبان عربی، مورد استفاده شهروندان الجزایری قرار گرفت و تأثیراتی بر آن جامعه گذاشته است و همواره در حال گسترش است. (توفیق، ۲۰۱۳، واقع اللغة العربیة فی الجزائر، المجلد ۲۷-۱۰) استفاده از زبان فرانسوی در الجزایر به دوران استعماری آموزش فرانسه باز می گردد. زیرا آموزش در عصر استعماری فرانسه صرفاً اجباری بوده و زبان عربی را به رسمیت نمی شناسد و همچنین وجود آن را دولت در کشور ارزیابی نمی کند و از طرفی زبان فرانسوی - در جهت آموزش، در هر مرحله از تحصیلات، راضی نبود. برای این امر دولت، محیط اجتماعی و رسانه ها را به عنوان فضاهای تحمیل شده برای ترویج زبان فرانسوی انتخاب کرد، هدف سیاست فرانسه، تبدیل محیط زبانی الجزایر به یک فرهنگ بود. (همان جا).

۵-۲. تأثیر خانواده های الجزایری

مسئله ضعف زبانی یک اصل اساسی دارد، زیرا ضعف اصلی آن از دانشگاه نیست، یکی از دلایلی که کودک از مراحل ابتدایی خود تا پایان تحصیلات خود حمایت می شود، خانواده است که باید یکپارچگی اصالت زبانی خود را حفظ کند، خانواده وظیفه دارد از طریق اهمیت زبان قرآن شریف زبان عربی را توسعه دهند و عشق و علاقه را به آن القا کنند. باید اکتساب زبان فرایندی ذاتی در روند جامعه پذیری را حفظ کنند، بنابراین بدیهی است که کودک در مرحله توسعه خود این گویش را به دست می آورد، گویشی که توسط خانواده صحبت می شود و از آنجا زبان عربی استاندارد را یاد می گیرد، که بعد از مدیریت سیستم آن در حافظه کودک پردازش می شود، مرحله دوم استمرار گویش عربی در محیط خانواده است که اگر این امر پیش نرود، تداخل بین سیستم های زبانی بوجود می آید و سیستم گویش، از طرفی دو زبانه (روان و کلی) تلقی می شود (زوبیر، ۲۰۱۱، ص ۵۳).

اگر شخصی می خواهد زبان دومی را یاد بگیرد تا با آن محاوره کند، یک مهارت زبانی مشابه را پیدا می کند که او را برای صحبت کردن واجد شرایط می داند، مانند برخی از مادر بزرگ ها و پدر بزرگ های الجزایری که با فرانسوی ها هم عصر بودند، همگام است. این جو محیط در یادگیری زبان فرانسوی بسیار موثر بود، محیط واقع شده در آن عصر با وجود همه اجزای تشکیل دهنده خود، از جمله فرهنگ غالب آن، این است که فردی اگر تحصیل کرده باشد، نه تنها با یک زبان خارجی بلکه با دو فرهنگ نیز ارتباط برقرار می کند، همانطور که باید آموخته شود (براون، ۱۹۹۴، ص ۲۷). فرهنگ دوم با زبان دوم در کشور الجزایر که توسط مستشرقین فرانسوی ترویج و گسترش پیدا کرد که می توان تأثیر خانواده های الجزایری برای عدم مقاومت آنان در مقابل پدیده شوم دو زبانه بودن تصور نمود، دانستن فرهنگ زبان هدف، یکی از ابزارهای شناختی خاص و آسان است برای یادگیری زبان، اگرچه روند یادگیری یک زبان خارجی فرایندی بسیار پیچیده است به شرطی که سعی کنیم آن را رمزگشایی کنیم و اسرار آن فاش شود، گرچه با عوامل داخلی و خارجی مرتبط باشد، اما لازم است، این عوامل را در فرایند یادگیری رعایت کنیم، زیرا تجربه ثابت کرده است که از پدر بزرگ و مادر بزرگ های الجزایری که معاصر استعمار بودند و بدون اجرای دستور العمل های حکومتی، زبان فرانسه را یاد گرفته اند این یک انگیزه خانوادگی برای یادگیری زبان فرانسه بود، در واقع برخی از آن ها به دلیل ارتباط شان با استعمار، از یادگیری آن، صرف نظر نمی کردند، حتی بیشتر خانواده های بی سواد، نیز موفق به یادگیری زبان فرانسوی شده بودند (داودی، ۲۰۰۸، ص ۱۸۰).

۳. اقدامات الجزایری ها در قبال مداخلات زبانی

سیاست اعراب پس از استقلال از دوره استعمارگری فرانسوی ها توسط دولت و ملت الجزایر پیگیری شد و این امر باعث می شد که دیگر کشورهای آفریقایی نیز نسبت به احیای فرهنگ و زبان خود، همان سیاستی را اتخاذ کنند که الجزایری ها انجام دادند، در این زمینه، دولت الجزایر برای ترمیم زبان عربی تلاش کرد و حضور فرهنگی و علمی آن از طریق امضای توافق نامه فرهنگی، علمی و فنی در آن وقت اعمال کند و الجزایر به عنوان بخشی از مغرب و آفریقا در قلب این امر قرار دارد الجزایر به هر حال در مورد ریشه های فرهنگی خود و القای ارزش های فرهنگی و زبانی جامعه الجزایر و استراتژی آن در تمام دوران استعمار فرانسه، مردم را موظف به اقدام هایی در قبال آن به منظور استقلال سیاسی آنان از فرانسوی ها انجام دادند، تقدیر از حضور فرهنگی خود در آستانه استقلال، با توافق نامه های همکاری فرهنگی و علمی در چارچوب توافق زبانی، منجر به رسمی دانستن زبان عربی و تضعیف کردن زبان های بیگانه به همراه بود. (بیرم، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷).

۱-۱. برگزاری کنگره تمدن زبان ملی

شهروندان الجزایری، برای پاس داشتن مقام زبانی خود، اقدام به برگزاری کنگره ملی زبانی درمهمین خود کردند، لذا در این باره گفته شده، مسئله عربی سازی در سطح اعراب الجزایری مطرح شد، به عنوان یک وسیله و یک هدف در همان زمان. این وسیله ای برای ویرایش و آماده سازی زبان عربی و ارسال آن به اقصی نقاط کشور و هدف حاکمیت و استقلال فرهنگی و نابودی آثارهای زبانی دوران استعمار بود. آنچه ملی گرایی مسئله عرب سازی را تأیید می کند این است که اتحادیه عرب از آن مراقبت کرده و آن را در یکی از محورها قرار داده است فعالیت آن از سال های اولیه تأسیس اولین کنگره ملی و زبانی اعراب در سطح عربی سازی در سال ۰۹۹۰ در شهر رباط برگزار شد تأسیس دفتر هماهنگی اعراب در جهان عرب از آن ایجاد شد. از جمله توصیه های کنفرانس اول ذکر شده این است که این کنفرانس توصیه می کند که زبان عربی، زبان آموزش برای همه باشد. (ابن نعمان، ۲۰۰۷، ص ۳۹).

۱-۲. اقدامات دولت مردان الجزایری در قبال زبان ملی

الجزایر پس از عزیمت فرانسوی ها، بر روی تبعید زبان استعمار کار کرد، بنابراین دولت الجزایر، صبح روز آزادی، ابتکار عمل را برای احیا زبان ملی کشور مطرح کرد تا شعار عرب سازی را برای بازیابی مهمترین عناصر شخصیت ملی مطرح کند و غرب زدگی و خرابکاری های آن ها را پایان دهد، بنابراین قواعد احیا زبان عربی بنابر اجرای آنچه که در منشور ملی و قانون اساسی بیان شده است، آغاز کرد. آنچه که شهروندان الجزایری خواستار بودند، زبان عربی زبان ملی و رسمی باشد و دولت باید برای جهانی سازی استفاده از این زبان تلاش کند. میهن پرستی در حوزه زبانی. روند عربی سازی در الجزایر متمرکز شد. این روند بر دو بخش مهم بین (۰۹۹۲-۰۹۲۹) انجام شد، یعنی آموزش و مدیریت، فعالیت خود را آغاز کرد و آموزش زبان عربی در موسسات آموزشی و استفاده از زبان عربی در موسسات رسمی اعمال شد. (همان، ص ۴۷).

نتیجه گیری

اعمال یک سیستم زبانی به زبان دیگر، هنگام نوشتن یا صحبت کردن، این امر ممکن است با وام گرفتن واژگان از زبان دیگر، با همان تلفظ و ترکیب نباشد. قواعد زبانی زبان مبدا که استیلا بر زبان مقصد کرده که منجر به انحراف از دستور قواعد زبان مقصد را احتمال داده است؛ یکی از علل گسترش زبان فرانسوی در کشور الجزایر وجود روشنفکران الجزایری که زبان فرانسوی را از نظر کاربردی بالاتر از زبان رسمی خود تلقی می کردند، تحت تاثیر قرار گرفتن منابع های مکتوباتی و اداری در زمینه

ترویج زبان فرانسوی، یادگیری زبان فرانسوی توسط خانواده های الجزایری و گسترش آن به عنوان الگو در بین فرزندان خانواده، هجوم فرهنگی استعمارگران فرانسوی بر رسانه ها و روزنامه های الجزایری برای توسعه زبان رسمی خود، ترویج کتب های درسی مربوط به زبان فرانسوی در بین دانش آموزان و دانشجویان الجزایری، می تواند اصلی ترین راه های کرودی زبان فرانسوی بر عربی باشد، هرچند الجزایری ها در قبال این تهاجم، اقدامات دولتی و مردمی برای احیا زبان عربی از خود به یادگار گذاشتند.

منابع

۱. ابن منظور، محمد ۱۴۱۹، لسان العرب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ذیل واژه مربوطه
۲. معین، محمد، فرهنگ نامه معین، زرین: تهران، ۱۳۸۲ش،
۳. شبی، زینب، اثر التداخل بین العامی و الفصحیح فی التعبير الکتابی، الجزایر: وزارت التعلیم و العالی و البحت العلمی، ۲۰۱۶
۴. مطلوب، احمد، التنمية اللغویه، بغداد: المجمع العلمی العراقی، ۱۹۹۰ق
۵. زوبیر، دلیله، الهویة اللغویه مکونا للشخصیة الجزایریة روافدها و واقعها، الجزایر: وزارت التعلیم و العالی و البحت العلمی، ۲۰۱۱
- ۶.
۷. داودی، زینب، المستشرقون الفرنسیون اللغة العربیة تعلما و تعلیما فی الجزایر ابان الفترة الاستعماریة و لیم مارسه المودجا، الجزایر: وزارة التعلیم العالی و بحت العلمی، ۲۰۰۸
۸. ابن علّه، بختة، التداخل الغوی و اشکالیه التواصل فی الوسط التربوی، الجزایر: جامعۀ عبد الحمید بن بادیس، ۲۰۱۸.
۹. اسعدالله، ابوالقاسم، تاریخ الجزایر الثقافی، بیروت: دارالغرب، ۱۹۹۸
- احمد توفیق، جغرافیة القطر الجزائری: مقاله واقع اللغة العربیة فی الجزائر، نصیره زیتونی، مجله جامعۀ النجاح للأبحاث (العلوم الانسانیة) المجلد ۲۷- ۱۰، (۲۰۱۳) _____ ص ۴.
۱۰. براون، هدوجلاس، اسس تعلم اللغة و تعلیمها، (ترجمة: علی شعبان)، بیروت: دار النهضة العربیة، ۱۹۹۴.
۱۱. ابن نعمان، احمد، مستقبل العربیة بین محاربة الأعداء و اردة السماء، الجزایر: شركة دار الامة، ۲۰۰۷.